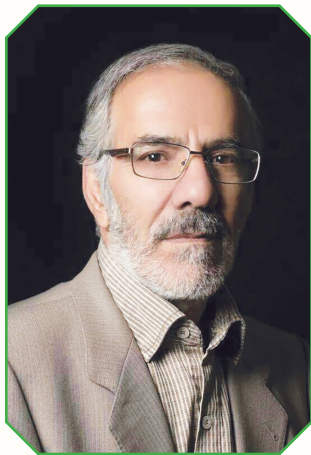


رفراندوم؛

برگی از اوراق خاطراتم!

محمد رجبی



۳۵. مدیر شانه چی، محسن، احزاب سیاسی ایران، ص ۷۰، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۵.
۳۶. مدیر شانه چی، محسن، احزاب سیاسی ایران، ص ۶۰، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۵.
۳۷. مدیر شانه چی، محسن، احزاب سیاسی ایران، ص ۶۰، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۵.
۳۸. فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ص ۱۴۱-۱۴۲، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۰.
۳۹. لالوی، محمود، حزب مردم، ص ۳۶، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
۴۰. لالوی، محمود، حزب مردم، ص ۳۷، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
۴۱. طبرانی، آ بهروز، اسناد احزاب سیاسی ایران، ج ۱، ص ۵۱، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۶.
۴۲. مدیر شانه چی، محسن، احزاب سیاسی ایران، ص ۶۰، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۵.
۴۳. صارمی شهاب، اصغر، احزاب دولتی و نقش آنها در تاریخ معاصر ایران، ص ۱۲۴، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
۴۴. لالوی، محمود، حزب مردم، ص ۳۷، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
۴۵. صارمی شهاب، اصغر، احزاب دولتی و نقش آنها در تاریخ معاصر ایران، ص ۱۲۴، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
۴۶. صارمی شهاب، اصغر، احزاب دولتی و نقش آنها در تاریخ معاصر ایران، ص ۱۲۷، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
۴۷. صارمی شهاب، اصغر، احزاب دولتی و نقش آنها در تاریخ معاصر ایران، ص ۱۲۹-۱۳۳، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
۴۸. تربتی سنجانی، محمود، قربانیان پاور و احزاب سیاسی، ص ۲۵۶-۲۵۷، انتشارات آسیا، تهران، ۱۳۷۵.
۴۹. صارمی شهاب، اصغر، احزاب دولتی و نقش آنها در تاریخ معاصر ایران، ص ۱۳۴، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
۵۰. صارمی شهاب، اصغر، احزاب دولتی و نقش آنها در تاریخ معاصر ایران، ص ۱۳۴، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
۵۱. صارمی شهاب، اصغر، احزاب دولتی و نقش آنها در تاریخ معاصر ایران، ص ۱۳۵، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
۵۲. صارمی شهاب، اصغر، احزاب دولتی و نقش آنها در تاریخ معاصر ایران، ص ۱۳۵، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
۵۳. مدیر شانه چی، محسن، احزاب سیاسی ایران، ص ۶۲، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۵.
۵۴. صارمی شهاب، اصغر، احزاب دولتی و نقش آنها در تاریخ معاصر ایران، ص ۱۳۵-۱۳۶، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
۵۵. حزب ایران نوین، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ج ۱، ص ۱۳، تهران، وزارت اطلاعات، ۱۳۸۰.
۵۶. صارمی شهاب، اصغر، احزاب دولتی و نقش آنها در تاریخ معاصر ایران، ص ۱۳۶، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
۵۷. نوذری، عزت‌الله، تاریخ احزاب سیاسی در ایران، ص ۲۰۰، شیراز، نوید شیراز، ۱۳۸۰.
۵۸. نوذری، عزت‌الله، تاریخ احزاب سیاسی در ایران، ص ۲۰۸، شیراز، نوید شیراز، ۱۳۸۰.
۵۹. صارمی شهاب، اصغر، احزاب دولتی و نقش آنها در تاریخ معاصر ایران، ص ۱۴۲، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
۶۰. نوذری، عزت‌الله، تاریخ احزاب سیاسی در ایران، ص ۲۰۱، شیراز، نوید شیراز، ۱۳۸۰.
۶۱. نوذری، عزت‌الله، تاریخ احزاب سیاسی در ایران، ص ۱۴۲-۱۴۸، شیراز، نوید شیراز، ۱۳۸۰.

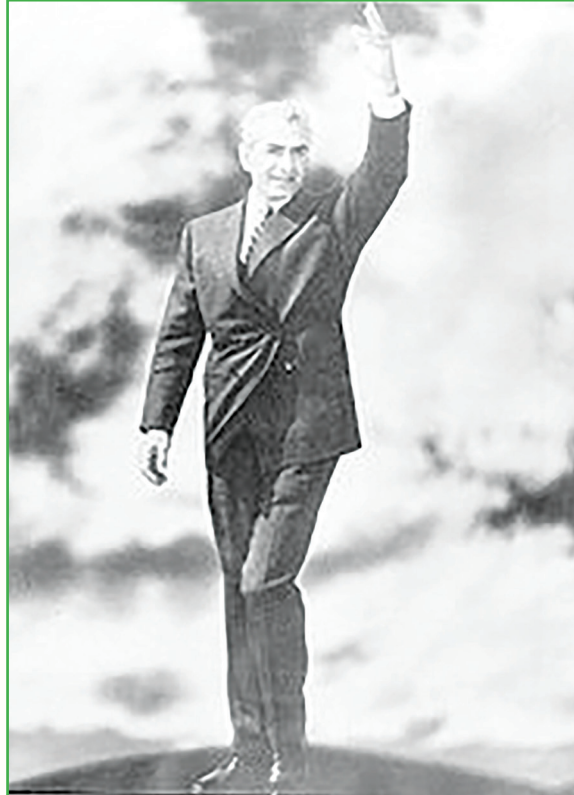
و ایرانیان در آن ادغام شدند. [۵۸] اعتقاد به نظام شاهنشاهی و اجرای اصول انقلاب شاه و ملت از اهداف این حزب بود [۵۹] **شروت در حزب رستاخیز به دستور شاه** عضویت در این حزب اجباری و مخالفان می‌بایست یا به زندان یا خارج از کشور می‌رفتند.
هویدا (نخست‌وزیر وقت) دبیر کل و بعدها جمشید آموزگار به دبیری حزب و سپس به نخست‌وزیری برگزیده شد؛ اما عملکرد آموزگار که به ایجاد جناح پیشرو انجامید منجر به ضعف حزب شد و به جای یک دستی و ثبات در جامعه، خود از عوامل اصلی تشتت آرا و اختلاف بین رجال و دولت‌مردان سیاسی گشت و درگیری جناح‌های پیشرو، سازنده و لیبرال بر شدت آن افزود.
ارکان حزب رستاخیز شامل کنگره، کمیته ملی، شورای مرکزی و دبیر کل بود. [۶۰] عملکرد این حزب، به‌عنوان یکی از پایه‌های رژیم موجب تشدید ناراضی‌ها و موردحمله مخالفین رژیم واقع شد، به‌طوری‌که نه تنها موجب تحکیم و نهادی کردن سلطنت نشد، بلکه رژیم و سلطنت را بیش‌ازپیش از ملت جدا کرد و سرانجام در پائیز ۱۳۵۷ به دستور خود رژیم برچیده شد. [۶۱]

ادامه دارد...

پانویس

۱. صارمی شهاب، اصغر، احزاب دولتی و نقش آنها در تاریخ معاصر ایران، ص ۷، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
۲. نوذری، عزت‌الله، تاریخ احزاب سیاسی در ایران، ص ۱۷، شیراز، نوید شیراز، ۱۳۸۰.
۳. فرهنگ، محمد، تفسیر مرانامه حزب ملیون، ص ۴، انتشارات حزب ملیون، تهران.
۴. فرهنگ، محمد، تفسیر مرانامه حزب ملیون، ص ۱۳۰، انتشارات حزب ملیون، تهران.
۵. صارمی شهاب، اصغر، احزاب دولتی و نقش آنها در تاریخ معاصر ایران، ص ۶، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
۶. زهیری، علیرضا، عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک، ص ۱۳۶، تهران، نشر نی، ۱۳۸۷.
۷. آبراهیمیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۳۴۶، ترجمه: گل محمدی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۷.
۸. زهیری، علیرضا، عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک، ص ۱۳۹، تهران، دفتر نشر و پخش معارف، ۱۳۷۹.
۹. طبری، احسان، خاطرات کوزراهه، ج ۱، ص ۱۶۵-۱۹۰، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۶.
۱۰. طبرانی، آ بهروز، اسناد احزاب سیاسی ایران، ج ۱، ص ۳۸۳، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۶.
۱۱. خامه‌ای، انور، خاطرات سیاسی، ص ۹۲۵-۹۲۶، تهران، گفتار، ۱۳۷۲.
۱۲. طبرانی، آ بهروز، اسناد احزاب سیاسی ایران، ج ۱، ص ۳۰۰، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۶.
۱۳. طبرانی، آ بهروز، اسناد احزاب سیاسی ایران، ج ۱، ص ۲۸۵-۲۹۲، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۶.
۱۴. تربیان، ص ۳۱۱.
۱۵. طبرانی، آ بهروز، اسناد احزاب سیاسی ایران، ج ۱، ص ۲۹۷، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۶.
۱۶. نجاتی، غلامرضا، جنبش ملی شدن صنعت نفت، ج ۱، ص ۸۶-۹۳، تهران، انتشارات سهامی انتشار، ۱۳۶۶.
۱۷. نجاتی، غلامرضا، جنبش ملی شدن صنعت نفت، ج ۱، ص ۸۶-۹۳، تهران، انتشارات سهامی انتشار، ۱۳۶۶.
۱۸. اسنادی از احزاب سیاسی در ایران، اداره کل آرشیو اسناد و موزه، ص ۱۲۳، دفتر رئیس‌جمهور، ۱۳۷۹.
۱۹. یزدی، ابراهیم، نهضت خادریستان، ص ۸۶-۸۷، یادنامه شماره ۳ دکتر کاظم سامی، تهران، انتشارات چاپ‌پخش، ۱۳۷۱.
۲۰. زهیری، علیرضا، عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک، ص ۱۴۹، تهران، دفتر نشر و پخش معارف، ۱۳۷۹.
۲۱. روحانیت و نهضت ملی شدن صنعت نفت، به کوشش گروهی هواداران نهضت اسلامی ایران در اروپا، ص ۵۶-۵۹.
۲۲. زهیری، علیرضا، عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک، ص ۱۴۹، تهران، دفتر نشر و پخش معارف، ۱۳۷۹.
۲۳. کاتوزیان، همایون، مصدق و نبرد قدرت، ص ۱۵۲-۱۵۳، ترجمه: احمدتدین.
۲۴. زهیری، علیرضا، عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک، ص ۱۶۰، تهران، دفتر نشر و پخش معارف، ۱۳۷۹.
۲۵. کاتوزیان، همایون، مصدق و نبرد قدرت، ص ۱۵۱، ترجمه: احمدتدین.
۲۶. کریمی مله، علی، چهل سال جبهه ملی، ص ۴۵، مجله پانزده خرداد، شماره ۲۱.
۲۷. مدیر شانه چی، محسن، احزاب سیاسی ایران، ص ۶۱، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۵.
۲۸. مدیر شانه چی، محسن، احزاب سیاسی ایران، ص ۳۶۰، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۵.
۲۹. مدیر شانه چی، محسن، احزاب سیاسی ایران، ص ۳۶۰، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۵.
۳۰. مدیر شانه چی، محسن، احزاب سیاسی ایران، ص ۳۶۰، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۵.
۳۱. کیانوری، نورالدین، خاطرات، ص ۱۳۵، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۲.
۳۲. لالوی، محمود، حزب مردم، ص ۳۷، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
۳۳. مدیر شانه چی، محسن، احزاب سیاسی ایران، ص ۶۶، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۵.
۳۴. اسنادی از احزاب سیاسی در ایران، تهران، اداره کل آرشیو اسناد و موزه، ص ۱۳۹.

محمد رضا شاه پهلوی، رهبر حزب رستاخیز



مجدداً تجلی کرد. در اواخر حکومت دکتر امینی وضعیت حزب بسیار متزلزل و فقط ۲۸ نفر در حزب باقی ماندند. [۴۶] حضور کم‌رنگ حزب با رهبری دکتر یحیی عدل و سپس علی‌نقی کنی، ناصر عاملی و محمد فضالی تا سال ۱۳۵۳ تداوم داشت و در دوره ۲۱ مجلس در سال ۱۳۴۲ و ۲۲ در سال ۱۳۴۶ و ۲۳ در سال ۱۳۵۰ در رقابت با حزب ایران نوین نقش اقلیت را داشت و با جناح‌بندی‌ها و اختلافات بسیاری روبه‌رو بود و سرانجام در سال ۱۳۵۳ با برقراری نظام تک‌حزبی از میان رفت. [۴۷]

حزب ملیون

در طول حیات سیاسی خود از احزاب اکثریت و حاکم بود. در ۱۳۳۷ ش به تشویق شاه و رهبری منوچهر اقبال (نخست‌وزیر وقت) در مقابل حزب مردم تأسیس شد. [۴۸] اعضای این حزب بیشتر از میان وزرا، نمایندگان مجلس، مقامات وقت و رجال سیاسی-اداری رژیم بودند. هیئت مؤسس حزب از آقایان محمود جم، عزالممالک اردلان، حاج سید اسدالله موسوی، دکتر محمدعلی هدایتی، حسام دولت‌آبادی، محمد حجازی و دکتر شاهکار تشکیل می‌شد. این هیئت ریاست و دبیر کلی حزب را به دکتر منوچهر اقبال (نخست‌وزیر و مؤسس حزب) واگذار کرد. [۴۹] اعضای کمیته مرکزی دکتر هدایتی، حجازی، حسام دولت‌آبادی، عماد تربتی، آموزگار، خان‌بابا بیانی، دکتر شاهکار، دکتر سرداری، محمود جم، دکتر کاسمی، انصاری بودند. [۵۰] اوج فعالیت ملیون در سال ۱۳۳۹ مقارن با انتخابات دوره بیستم مجلس شورای ملی بود که با آشکار شدن اسناد تقلبات انتخاباتی و زد و بند حزب مردم (اقلیت) و حزب ملیون (اکثریت) انتخابات باطل و سران هر دو حزب استعفا دادند. حزب ملیون عملاً با برکناری نخست‌وزیر از میان رفت. [۵۱]

حزب ترقی

سران این حزب حسنعلی منصور، جمشید آموزگار و هویدا بودند. [۵۲] این تشکیلات نه به‌عنوان حزب بلکه به‌صورت گروهی؛ از جوانان طرفدار اصلاحات آمریکایی و پاره‌ای از وزرا و رجال دولتی در سال ۱۳۴۰ شکل شد.
با از میان رفتن حزب ملیون در نقش حزبی در مقابل حزب مردم ظاهر شد و در انتخابات ۲۱ مجلس شورای ملی در سال ۱۳۴۲ ش شرکت جست.

تأسیس این کانون در واقع پیش‌درآمد حزب ایران نوین بود که یک سال واندی بعد توسط همین اعضا ایجاد گشت. روزنامه «روزگار نو» ارگان این حزب بود. [۵۳]

حزب ایران نوین

پایدارترین و بزرگ‌ترین حزب دولتی تا تأسیس نظام تک‌حزبی بود. اعضا هیئت مرکزی آن، از سران حزب ترقی ازجمله حسنعلی منصور و هویدا، جمشید آموزگار بودند که در آذر سال ۱۳۴۲ ش به وجود آمد. [۵۴] [۵۵] دبیر کل آن حسنعلی منصور (نخست‌وزیر) و با قتل منصور، هویدا (معاون دبیر کل حزب) نخست‌وزیر و دبیر کل حزب شد. [۵۶] حزب در انتخابات دوره ۲۲ و ۲۳ مجلس شورای ملی در سال‌های ۱۳۴۶ و ۱۳۵۰ ش اکثریت را در مجلس داشت و سال ۱۳۵۳ در حزب رستاخیز ادغام شد.

فعالیت این حزب بسیار وسیع و علاوه بر کمیته مرکزی کمیته‌های متعددی همچون: کمیته اجرایی و دفتر سیاسی، سازمان جوانان، زنان، کشاورزان، کارگران، بازرگانان، سندی کاهای کارگری، اتحادیه‌های اصناف دارا بود. [۵۷] نشریاتی نیز در سراسر کشور منتشر می‌شد و ساخت و روزنامه «ندای ایران نوین» ارگان آن محسوب می‌شد و برای آموزش کادر خود اقدام به تأسیس مدرسه عالی علوم سیاسی و امور حزبی نمود که بعدها در حزب رستاخیز ادغام گشت.

ایجاد نظام تک‌حزبی، هان تینگتون

فکر ایجاد نظام تک‌حزبی توسط ایرانیان تحصیل کرده اروپا به‌ویژه طرفداران ساموئل هانتینگتون (استاد علوم سیاسی دانشگاه هاروارد) مطرح شد. هدف آن جلوگیری از بی‌تفاوتی سیاسی و علاقه‌مند کردن اکثریت مردم به امور سیاسی مطلوب و پیوند دولت و مردم بود.

حزب رستاخیز ملت ایران

به دستور شاه این حزب دریاژه اسفند ۱۳۵۳ تشکیل شد؛ زیرا با اجرای نظام تک‌حزبی که رهبریت کل فعالیت‌های سیاسی را به او واگذار می‌کرد، رکن چهارمی به سه رکن دیکتاتوری می‌افزود. کلیه احزاب من‌جمله حزب ایران نوین، حزب مردم، پان ایرانیست

حزب سیاسی دوران پهلوی احزاب دولتی بین سال‌های ۱۳۲۰ تا کودتای ۱۳۳۲ شامل حزب دموکرات ایران، حزب آریا و حزب وطن و اراده ملی است.

حزب دموکرات ایران

در ۹ خرداد ۱۳۲۵ قوام‌السلطنه نخست‌وزیر وقت [۳۱] و با شرکت رجال و اشراف تشکیل شد. با تأسیس حزب دموکرات ایران قصد مقابله با حزب دموکرات آذربایجان را داشت. البته او با تأسیس حزب قصد تحکیم موقعیت سیاسی خود را داشت و همچنین می‌خواست، ائتلاف حزب توده و ایران را کم‌رنگ جلوه دهد. برخلاف همکاری قوام با سران حزب توده، در سطح وزارت روابط بین حزب قوام و حزب توده با ستیز و برخورد توأم شد. از مشهورترین افراد حزب می‌توان به مظفر فیروز، علی امینی، ابوالقاسم امینی، محمدولی فرمانفرما، سردار فاخر حکمت، احمد آرامش، حسن ارسنجانی و ملک‌الشعرای بهار و... [۳۳] اشاره کرد. [۳۴]

حزب آریا

حزبی فاشیستی به رهبری محمدهادی سپهر بود که از حزب سومکا [۳۵] منشعب شد و به تبع نازیست‌ها خود را حزب ناسیونال سوسیالیست ایران می‌خواند، [۳۶] این حزب نیز بعد از شهریور ۱۳۲۰ شکل گرفت این حزب که از احزاب دسته راستی به شمار می‌رفت و به انگلستان متمایل و به دربار وابسته بود که توسط سرلشکر حسن ارفع تشکیل شده بود. حزب دارای شاخه نظامی بود که تعدادی از افسران ارشد در آن عضو بودند، اعضای حزب تمایلات ضد کمونیستی شدید داشتند. این حزب در زمان دکتر مصدق و کودتای ۲۸ مرداد نیز به فعالیت خود ادامه می‌داد. اعضای مهم آن سرلشکر حسن ارفع، محمدهادی سپهر، سرلشکر محمود ارم، سرلشکر امین‌زاده، حسن اخوی، سرهنگ حسن منوچهری (بهرام آریانا) که نام خود را به آریانا تغییر داد و مدتی تمایلات شدیدی به نازی‌ها داشت (وی بعدها ارتشید شد و به ارتشید آریانا معروف شد) بودند. روزنامه حزب ندای سپهر تا دهه ۴۰ منتشر می‌شد. [۳۷] هدف حزب بیشتر در اختیار داشتن مشاغل حساس نظامی و غیرنظامی بود. این حزب هم‌زمان با حزب توده تأسیس شد و تا زمان کودتای ۲۸ مرداد نیز به فعالیت ادامه داد. بعد از کودتا به تدریج فعالیتش کاسته شد و به پایان عمر خود رسید. [۳۸]

حزب وطن

در سال ۱۳۲۲ توسط سیدضیاءالدین طباطبایی (از حامیان انگلیسی‌ها و مسبین کودتای ۱۲۹۹ ش)، در مقابل حزب توده (متمایل به شوروی) با شعارهای کلی، بدون گرایش ایدئولوژیک خاصی تشکیل شد. [۳۹] مثنی حزب و هدف اصلی آن مقابله با حزب توده و فعالیت و هواداران آن بود.

سید ضیاء دو سال بعد حزب وطن را به حزب اراده ملی تغییر نام داد. سید ضیاء اساسنامه حزب اراده ملی را در ۲۲ ماده منتشر نمود که یکی از مواد این اساسنامه کوشش برای ایجاد بهترین رابطه با ایالات‌متحده آمریکا در عین بی‌طرفی بود، اما از طرفی وی برای جلب رضایت روس‌ها عنوان می‌نمود که روس‌ها برخلاف این‌که ایرانی نبودند، اما خدمتشان به ایران از هر پادشاه، وزیر، نماینده و نویسندهای بیشتر است.

وی در دوره ۱۴ مجلس به وکالت مجلس انتخاب شد و در فروردین ۱۳۲۵ توسط قوام‌السلطنه نخست‌وزیر دستگیر شد و پس‌از آن فعالیت حزب کاهش و سرانجام منحل شد. [۴۰] [۴۱] مکان حزب ساختمان باشکوهی در خیابان سعدی، نزدیک مخابراتدوله که صرف‌زاده، کارخانه‌دار معروف یزدی به او اهدا کرد. از اعضای آن مظفر فیروز، سیدکاظم یزدی، برادران رشیدیان، کورش بازرگان و حجازی مدیر روزنامه وظیفه بودند. روزنامه «رعد امروز» ارگان این حزب، توسط مظفر فیروز اداره می‌شد. [۴۲]

حزب مردم

در اردیبهشت ۱۳۳۶ ش توسط اسدالله علم موجودیت آن اعلام گردید. [۴۳] بنیان‌گذاران آن اسدالله علم، پرفسور یحیی عدل، دکتر پرویز ناتل خانلری، دکتر موسی عمید، دکتر حسن ستوده تهرانی و دکتر احمد فرهاد نام برد که اغلب چهره‌های علمی و دانشگاهی و شخصیت‌های سیاسی و حکومتی بودند. «اطلاعات کامل درباره این حزب.» [۴۴]

در انتخابات سال ۱۳۳۹ موفق به کسب ۴۰ کرسی در مجلس شد که به دلیل تقلب و تبانی با حزب ملیون، انتخابات لغو، علم از دبیر کلی استعفا و پرفسور یحیی عدل جایگزین وی شد. [۴۵]

سال‌های ۳۹ تا ۴۲ حزب بسیار منزوی و پس از ۱۵ خرداد ۴۲

رضا شاه بنیان‌گذار سلسله پهلوی

